

مروری بر شکل‌گیری گروه‌های تخدیری با تکیه بر گروه شیطان‌پرستان

وجیهه السادات سیدمحمد*

چکیده

معنویت‌گرایی و گرایش به عرفان‌های گوناگون در جهان حاضر به یک پدیده قابل توجه تبدیل گردیده است. این موضوع نه تنها محور تحقیقات برخی از دین‌پژوهان قرار گرفته، بلکه از جهت پیوند ناگسستنی با عرصه‌هایی از حیات اجتماعی و زندگی جمعی افراد، نظر بسیاری از جامعه‌شناسان را نیز به خود معطوف ساخته است. بویژه آنکه تعالیم ناشی از فعالیت فرقه‌ها و گروه‌های به ظاهر معنویت‌گرا که اطلاق عنوان «تخدیری» می‌تواند مناسب آنان باشد، مروج ارزش‌ها، هنجارها و کنش‌هایی است که در بسیاری موارد در تضاد با ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه می‌باشد.

اگرچه آسیب‌ها و پیامدهای ناشی از فعالیت اکثر فرقه‌ها و گروه‌های تخدیری از نظر ابعاد اجتماعی و امنیتی چندان مورد اعتنا قرار نگرفته‌اند، اما برخی از این گروه‌ها به دلیل آنکه مستقیماً ارزش‌های اخلاقی و انسانی را نشانه گرفته و امنیت اجتماعی را خدشه دار می‌سازند، لذا شایسته توجه بیشتر هستند.

شیطان‌پرستان از جمله گروه‌هایی هستند که تقریباً از درون این فرقه‌ها و گروه‌های جدید سربرآورده‌اند. اگرچه فعالیت افراد این گروه در اغلب نقاط جهان مورد پذیرش مردم نیست و حتی در مواردی آنان را می‌توان مطرود جامعه خود دانست، با این وجود به دلیل شرایط اجتماعی این کشورها و به مدد بهره‌گیری از فضای مجازی، روز به روز بر دامنه انتشار و اشاعه افکار و عقاید گروه‌هایی از این دست افزوده می‌شود.

در کشور ما نیز فعالیت پیروان گروه‌های تخدیری و از جمله شیطان‌پرستان به صورت بسیار محدود وجود دارد اما فضای مجازی، این فعالیت‌های کم‌اثر را تبلیغ و آن را گسترده ساخته و لذا پیروانی را در میان جوانان برای خود پیدا کرده است. پیروان این گروه به تدریج هنجارهایی را در میان خود بسط می‌دهند که به دلیل تضاد شدید با ارزش‌ها و هنجارهای دینی و ملی کشورمان، آثار مخربی را در ابعاد اجتماعی و امنیتی در پی خواهد داشت.

واژه‌های کلیدی:

جنبش‌های نوپدید دینی، گروه‌های تخدیری، شیطان‌پرستی، کلیسای شیطان

*کارشناس ارشد ادیان و عرفان

مقدمه

در غرب پس از رنسانس و آغاز عصر روشنگری و انقلاب صنعتی، دین به حاشیه رانده شد اما ادیان زنده جهان بویژه اسلام همچنان در عرصه‌های فردی و اجتماعی حضور فعالانه خویش را حفظ کردند. عصر جدید به همراه خود نیازها، نگاه‌ها و پرسش‌های جدیدی را برای بشریت به ارمغان آورده است که علم و تکنولوژی نمی‌توانند پاسخی قانع‌کننده برای آنها بیابند. انسان در دنیای صنعتی امروز به معرفت و معنویت نیاز شدید احساس می‌کند و در جستجوی رفع عطش خود می‌باشد. در این میان فرقه‌ها و گروه‌های جدید در کنار ادیان بزرگ مطرح شده‌اند که برخوردها و مواجهه‌های گوناگونی از سوی دولت‌ها و مراکز دینی و مردم با آنها صورت گرفته است. برخی از این فرقه‌ها و گروه‌ها با دعوت به معنویت، وعده‌های دلچسپی از «ملاقات با خدا»، «تجربه مکاشفه عرفانی»، «کسب آرامش فکری و روحی»، «درک بی‌واسطه خدا در درون»، «ورود به عوالم معنوی»، «جهانی سرشار از عشق و صلح و دوستی»، «رسیدن به حقیقت» و ... را به پیروان خویش می‌دهند و با برنامه‌ریزی منظم و به راه‌انداختن کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی و استفاده از موسیقی و حتی برپایی اردوها و مسافرت‌های داخلی و خارجی و دیدار با استادان معنوی، پیروان خود را برای ادامه این طریق، دلگرم و امیدوار نگه داشته و مرموز و آرام، اصولی همچون اعتقاد به تناسخ و کرمه و بازپیدایی و خودمحوری و ... را القاء کرده و بدون اینکه تعصب و حساسیت فرد را تحریک نمایند او را بصورت نامحسوس نسبت به اصول و اعتقادات خویش سست می‌کنند، عقاید خود را به او القاء نموده و خط فکری او را تغییر می‌دهند. برخی هم با شکستن هنجارهای تعریف‌شده اجتماعی و دعوت به چارچوب‌شکنی اخلاقی و تجربه کسب لذت‌های جنسی نامشروع، استفاده از انواع مشروبات الکلی، مواد مخدر، لباس، آرایش، موسیقی‌های محرک، خودپرستی و خودمحوری و حتی با ترویج خشونت و جنایت و به اصطلاح کسب انرژی از این مظاهر جادویی و شیطانی، می‌توانند برای آن دسته از جوانان هنجارگریزی که عموماً مبتلا به افسردگی‌ها و ناراحتی‌های روانی و خلاءهای فکری و تنهایی و پوچی و از خودبیگانگی‌اند، تا حدودی علاقه ایجاد کنند و برای مدتی سبب تخدیر و فراموشی بیشتر و در نهایت باعث تخریب روح و جسم و اندیشه آنها گردند. این تحولات در ایران هم به چشم می‌خورد و با توجه به اینکه فرهنگ ایرانی، فرهنگی دینی بوده و توجه به عرفان و معنویت هم از شاخصه‌های این فرهنگ می‌باشد و از طرفی با توجه به عصر انفجار اطلاعات و دسترسی سریع جهانی به اطلاعات، فرقه‌ها و گروه‌های جدید به زبان فارسی، تبلیغات وسیع و همه‌جانبه در ایران شروع شده است.

این قبیل گروه‌ها را از آن جهت که:

۱. ماهیت غیردینی و حتی ضد دینی دارند،
۲. عملکرد آنها مستقیماً اصول، عقاید و باورهای مردم را نشانه گرفته است،

۳. اثرات فعالیت آنها تدریجی و نامحسوس است،

۴. فعالیت آنها ممکن است در تضاد با نظم و امنیت اجتماعی باشد،

شایسته توجه و بررسی بیشتر هستند. در این مقاله نیز کوشش شده است تصویر بهتری نسبت به یکی از این گروه‌ها ارائه گردد تا از این رهگذر شناخت بهتری در مورد گروه مذکور حاصل شود.

بیان مساله

در جهان امروز، علاوه بر به ادیان رسمی (اسلام، مسیحیت، یهودیت، زرتشت) و اعتقادات سنتی و غیررسمی (هندو، بودیسم و ...)، صدها نوع عقیده، گروه، دسته و یا فرقه ساختگی و انحرافی بوجود آمده و مهم‌تر از آن پیروانی در اقصی نقاط عالم پیدا کرده‌اند.

انحراف در عقاید و ظهور گاه و بی‌گاه فرقه‌ها و گروه‌های مذهبی، پدیده جدیدی نیست. آنچه برخطر و پیامدهای سوء این انحراف در جهان امروز می‌افزاید، سرعت و نحوه انتقال عقاید انحرافی و اعتقادات تازه در سرتاسر جهان است که موجب می‌شود به فاصله کوتاه از معرفی و ظهور یک فرقه، طرفدارانی در دیگر نقاط جهان پیدا کند.

از منظر جامعه‌شناختی، محیط اجتماعی و فرهنگی، عامل عمده‌ای در شکل‌گیری این فرق و گروه‌های انحرافی است که ادعای پاسخگویی به نیازهای درونی افراد را دارند. بنابراین اگرچه از یک منظر، رویکردی غیرمادی به جهان می‌تواند این امید را به ارمغان آورد که نیاز به مذهب در درون افراد زنده و پویاست، اما ایجاد انحراف در نیازهای ماورایی به همان اندازه می‌تواند نگران‌کننده باشد.

پاسخ به این سوال که چرا و چگونه این آیین‌ها و فرقه‌های جدید به وجود می‌آیند بسیار ضروری است و بسیار هم متنوع و مختلف است. آمریکا بزرگترین جامعه‌ای است که با تنوع فراوان این فرق روبروست. شاید بهترین پاسخ فرضیه‌ای است که می‌گوید: مسلک‌های جدید در زمان ناآرامی و تغییرات عمده اجتماعی ظاهر می‌شوند. افراد به هنگام روبرو شدن با تغییرات اجتماعی ناگهانی و عظیم به جستجوی معنا در یک قالب تجربی باطنی (درون معرفتی) می‌پردازند.

تحولات و انقلابات عظیمی که با تأسیس ملت آمریکا همراه بوده است، توأم با صنعتی شدن و شهرنشینی سریع و پیشرفت چشمگیر مادی و صنعتی (تکنولوژی) جامعه مدرن آمریکا را می‌توان به صورت عاملی دید که در زمان‌های مختلف نوعی احساس عدم آرامش و در نتیجه آرزوی فردی رفع مسائل و مشکلات را به وجود آورده است (بوش، ریچارد، ۱۳۷۴: ۹۸۰).

توجه به تحولات گسترده در اجتماع (جهانی شدن و تأثیرات آن، بروز آسیب‌های اجتماعی، مشکلات اقتصادی، کم‌رنگ شدن میزان تأثیر نهاد خانواده و کاهش اقتدار و منزلت نهادهای اجتماعی در نزد جوانان و ...) می‌تواند بر فعالیت کنترل نشده فرق و گروه‌های به ظاهر مذهبی افزوده

و آنان را تا حدودی از حیطه نظارت اجتماعی به ویژه از منظر اعتقادی خارج سازد. در چنین شرایطی، تبلیغات گروه‌های جدید تأثیرات مخرب و فزاینده‌ای را در جوانان ایجاد می‌کند به گونه‌ای که این احساس در آنان تقویت می‌شود که گم‌شده آنان در میان گروه‌های جدید قرار دارد. لذا زمینه و شوق زاید الوصفی برای پیوستن به آنها در جوانان بوجود خواهد آمد.

در کشور ما عملکرد نه چندان مدبرانه نهادهای اجتماعی، فرهنگی، ... و از سویی تمایلات درون‌گرایانه، فضا را برای رشد اینگونه افکار و فعالیت‌ها هموارتر ساخته است. این فعالیت‌ها اگرچه به لحاظ ذهنی تأثیرات نگران‌کننده تری در جوانان ایجاد می‌کنند، اما به لحاظ کمی هنوز نمی‌توان افراد پیرو و یا مدعی را فراتر از دسته یا گروه طبقه‌بندی کرد. گروه‌های مورد نظر را از این منظر که عملکردشان عموماً باعث سستی و رخوت در ایمان و اعتقاد افراد نسبت به دین واقعی شان می‌شود، می‌توان «گروه‌های تخدیری» نامید.

اگرچه فعالیت گروه‌های تخدیری در ایران در مقایسه با برخی کشورها از تنوع چندانی برخوردار نیست اما طیفی را شامل می‌شوند که در یک سوی آن گروه‌هایی را می‌توان مشاهده نمود که با استفاده از کلماتی همچون عشق، لذت‌جویی، شادابی، در تلاش برای نفوذ احساسی در این نسل هستند و در طیف دیگر گروه‌های منحرف و شیطانی (با ترغیب به اعمال جنایتکارانه) قرار دارند که با بهره‌گیری از فضای اجتماعی، فرهنگی کشور و با طرح‌های فریبنده و اغواکننده و بهره‌گیری از نیازهای نسل جوان (مثل موسیقی) آنان را به سمت اعمال غیراخلاقی و مجرمانه سوق می‌دهند. آنچه فعالیت این گروه‌ها را قابل اهمیت می‌سازد، استفاده از فضاهای مجازی است که تا حدودی توانسته است تفکرات آنها را با سرعت بیشتر وارد عرصه زندگی افراد کرده و فعالیت شان را بعضاً علنی سازد.

به لحاظ دینی و از منظر اعتقادی، گروه‌ها، دسته‌ها و فرق در ایران را می‌توان در چند شاخه اصلی زیر مورد مطالعه قرار داد:

• گروه‌هایی که برای خود منشاء و حیانی قابل نیستند. این گروه‌ها در سه طبقه زیر می‌توانند مورد ارزیابی قرار گیرند:

- گروه‌های الحادی و ضد مذهبی از جمله راثیلیان و کلیسای شیطان که از انحرافی‌ترین گروه‌ها محسوب می‌شوند.

- گروه‌هایی که فعالیت آنان با تبلیغ آئین‌های مذهبی همراه است و اغلب منشأ شرقی دارند، از قبیل مهربابا، سای‌بابا، ایلیام، اشو، سیک‌ها که می‌توانند در زمره گروه‌های التقاطی محسوب گردند.

- گروه‌هایی که فعالیت آنان منافات چندانی با تبلیغ روش‌ها و آئین‌های مذهبی ندارد و یا خنثی هستند مثل فالون‌دافا، یوگا، ریکی، اکنکار و تی.ام.

• گروه‌هایی که برای خود منشاء و حیانی قابل هستند که در چند دسته می‌توان آنها را دسته

بندی کرد از جمله:

- گروههای زیرشاخه مسیحیت که در این گروه می توان به مورمون ها، مونیسم و شاهدان یهوه اشاره کرد.

- گروههای مذهبی با خاستگاه ایران پیش از اسلام که در این گروه می توان به مانی و ... اشاره نمود.

با تکیه بر ضرورت شناخت عوامل شکل گیری گروههای تخریبی در کشور و توجه به یکی از این گروهها (شیطان پرستان) که البته ماهیت کاملاً ضد مذهبی و حتی ضد معنوی دارد، به طور کلی سؤالات زیر می توانند به عنوان سؤالات اساسی تحقیق مطرح باشند:

۱- کدام یک از عوامل موجب گرایش جوان ایرانی به گروههای تخریبی شده است؟
۲- اعتقادات اساسی گروه شیطان پرستان چیست و چه عواملی موجب گرایش به این گروه می شود؟

۳- نمادها و شیوه های تبلیغاتی گروه شیطان پرستان کدامها هستند؟

۴- عقاید و اعمال شیطان پرستان در ایران چه عوارض و اثراتی دارد؟

ضرورت تحقیق

با توجه به اینکه گروههای تخریبی در کشور ما چندان شناخته شده نیستند و میزان تأثیر فعالیت آنان در جوانان مبهم است و معلوم نیست به چه طریقی و از چه مسیراهایی پیروان این گروهها با رهبران خود ارتباط برقرار می کنند. لذا دستیابی به پاسخ صحیح در مورد اینگونه ابهامات، ضرورت پرداختن به موضوع را بیش از پیش آشکار می سازد.

به طور کلی بررسی پیرامون گروههای تخریبی بویژه گروه شیطان پرستان از جهات زیر می تواند برای دستگاههای فرهنگی و حتی امنیتی مهم باشد:

• این گروهها مروج خشونت، ناسازگاری، هرج و مرج، ترویج موسیقی های ناپهنجار، روابط نادرست، مصرف مشروبات الکلی، مواد مخدر و ... در جامعه هستند.

• در مواردی، روحیه تهاجم و ایجاد آشفتگی و ناامنی در جامعه را تقویت می نمایند.

• زمینه رشد خرده فرهنگها در جامعه را فراهم و بدین ترتیب بر افزایش تعارض در جامعه می افزایند.

پیشینه تحقیق

گروه های نوپدید شبه دینی حاصل جامعه مدرن غربی و جامعه صنعتی هستند. بر این اساس بیشتر پژوهش های انجام شده در این حوزه صورت گرفته است. منابع موجود نیز اغلب به زبان انگلیسی است. این جنبش ها یک مسأله کاملاً غربی از نوع آمریکایی و انگلیسی است و با این نگاه باید توجه

را به این دو خاستگاه مبذول داشت. این پدیده در آمریکای جنوبی، آفریقا، آسیای جنوب شرقی، روسیه و جمهوری‌های تازه استقلال یافته، کشورهای عربی و اسلامی و حتی ایران نیز گسترش یافته و لازم است که در تحقیقات به این موضوع توجه شود. بطور کلی در ایران هیچگونه آثار تحقیقاتی مدون و قابل دسترس که زوایای تاریک و پنهان فعالیت این گروهها را مورد پژوهش قرار داده باشد، وجود ندارد و معدود تحقیقات انجام شده در این زمینه نیز بدلیل آنکه در یک جهت نبوده و بر اساس نیازها تعریف نشده اند، لذا شناخت درستی از وضعیت این گروهها ارایه نمی دهند.

ادبیات تحقیق

زندگی انسان در دنیای مدرن امروز تفاوت‌های چشمگیری با نوع حیات او در دنیای سنتی دیروز دارد. نقطه عطف این تحول را در جهان غرب می‌توان از رنسانس و آغاز عصر روشنگری و انقلاب صنعتی دانست که موجب به حاشیه‌رانده شدن دین گشت. گذشته از فراز و نشیب‌ها و کشمکش‌هایی که تعقل بشری و ایمان دینی در چند سده پس از رنسانس تا عصر حاضر طی کرده‌اند، ادیان زنده جهان همچنان حضور فعالانه خویش را در عرصه‌های فردی و اجتماعی زندگی پیروان خویش حفظ کرده‌اند.

با توجه به اینکه در دنیای غرب انسان معنوی امروز با انسان دینی سنتی دیروز تفاوت‌هایی اساسی در نوع اندیشه و نگاه به جهان و زندگی فردی و اجتماعی دارد و گرایش به معنویت در این عصر بیش از گرایش به دین می‌باشد، این پرسش مطرح می‌شود که چرا انسان امروز بیش از دین به معنویت علاقمند است؟ پروفیسور هیوستن اسمیت، از دین‌شناسان برجسته دنیا علت این امر را در نهادینه کردن معنویت توسط دین در غرب که موجب سرخوردگی است از سویی و جذابیت‌های معنویت در نهادهای دینی جدید از دیگر سو می‌داند.

به نظر وی مردم در غرب برای یافتن پاسخی برای نیازمندی‌های معنوی خویش در دنیای کنونی به سه سمت حرکت می‌کنند:

۱- دسته‌ای به سوی نهادهای دینی محافظه کار چون کاتولیسم و ... می‌روند که با تمام غفلت‌های عقلانی و اجتماعی هیچ‌گاه اجازه ورود دیدگاه‌های مختلف به درون جوامع دینی را نداده و نمی‌دهند.

۲- دومین مسیر، حرکت به سمت ادیان و عرفانهای آسیایی یا شرقی است. امروزه آمریکا بستری برای تبلیغ بودیسم، هندوئیسم و دیگر ادیان شرقی شده است (شاید بتوان از آن به شرقی شدن غرب تعبیر کرد).

۳- مسیر سوم، ادیان جدید یا جنبش‌های عصر جدید است که وی آن را رویکرد سلف سرویسی به معنویت می‌خواند که در بدترین شکل به نوعی واقعیت‌گریزی شخصی می‌انجامد (طالبی دارابی، ۱۳۸۳: ۹۷).

توضیح چرایی پیدایش فرقه‌های شبه مذهبی بسیار دشوار است. بیشتر تعبیرها به این سمت گرایش دارند که بی‌روحي فرهنگی جامعه سرمایه‌داری و جهت‌گیری خدماتی جامعه مدرن صنعتی را مسئول پیدایش این جنبش‌ها قلمداد کنند. اشاعه گسترده فرهنگی که پیش شرط آن وجود ساختار معین و گسترده وسایل ارتباط جمعی است که دورافتاده‌ترین فرهنگ‌ها را از نظر زمانی و مکانی برای تقلید در دسترس قرار می‌دهند. در هر صورت پژوهش این فرقه‌ها کاری دشوار است (شفرز، ۱۳۸۳: ۱۳۴).
پروفسور هیوستن اسمیت می‌گوید علت چنین وضعی در جوانان غربی یکی «گرایش‌های خودکامگی ستیز در درون آنها» و دیگری «جاذبیت‌های نهادهای دینی جدید» است.

حداقل سه مشخصه کلی را می‌توان برای فرقه‌های به ظاهر مذهبی یا معناگرا برشمرد:

۱- هر چه این گروه‌ها، حیات کوتاه‌تری داشته باشند، احتمال آنکه بتوانیم آن را در زمره فرقه‌ها قرار دهیم، بیشتر است. از این منظر بسیار بعید است که یک فرقه در طول تاریخ، بتواند عمر و حیات طولانی داشته باشد.

۲- از نظر تعداد پیروان، می‌توان چنین گفت که فرقه‌ها پیروان بسیار محدودتری دارند. در بهترین حالت به زحمت تعداد پیروان آنها در یک محیط به عدد ۱۰۰۰ می‌رسد (تعداد بیشتر از آن را می‌توان در زمره دسته‌ها و گروه‌ها جای داد).

۳- از نظر خاستگاه اجتماعی، معمولاً در نقاطی که زمینه‌گرایی به تنوع مذهبی بالاست، رشد پیدا می‌کنند. بعنوان مثال در آمریکا بیش از هر نقطه از جهان این فرقه‌ها وجود دارند (زاگرن، ۱۳۸۴).

از سوی دیگر پاسخ به پرسش چیستی یک جنبش یا فرقه نوپدید شبه دینی به سه لحاظ مهم است؛ اول اینکه بدانیم که کدام یک موضوعاتی قابل اعتنا برای تحقیق‌اند و کدام یک از حوزه موضوع مورد نظر خارج‌اند. دوم، استفاده از تعریفی که بتواند پاسخی قانع‌کننده به سازمان‌ها و جنبش‌هایی بدهد که خود را نوپدید نمی‌دانند و سوم نیاز به ارائه یک تعریف روشن از این جنبش‌ها که فاقد ارزش داوری (رد یا قبول) باشد (کریسایدز، ۱۳۸۲: ۱۲۷-۱۲۸). جان سالیبا در کتابش «چشم‌اندازهای جنبش‌های نوپدید دینی» سه نوع تعریف را مورد توجه قرار می‌دهد که بنا بر ویژگی‌ها عبارتند از:

۱- الاهیاتی

۲- روان‌شناختی

۳- جامعه‌شناختی

در تعریف نوع اول، فرقه عبارت است از گروهی از مردم که باورهایشان را بر جهان‌بینی یک رهبری انحصاری استوار می‌سازند که همیشه آموزه‌های اصلی دین را آنگونه که از کتاب مقدس بدست می‌آید، رد می‌کنند. پیداست که این تعریف کلی تمامی فرقه‌های دینی و غیردینی را در بر می‌گیرد.

در تعریف روان‌شناختی بنا به نقل سالیبا از فیلیپ کوشمان، ویژگی‌های یک فرقه را چنین بیان می‌کند:

- فرقه را رهبری فرهمند کنترل می کند که مدعی حمل یک پیام انحصاری از خداست.
- مروج این عقیده است که تنها راه درست برای تحقق عقیده درست می باشد.
- وفاداری بی چون و چرا و اطاعت محض را از پیروان می طلبد.
- روش های کنترل ذهن را به کار می برد.
- اغواگری و فریب را به هنگام جذب هوادار به کار می بندد.
- به طور ساختاری قدرت کار و ثروت اعضا را به خدمت می گیرد.
- اعضائی را که با گروه مخالفت کنند مورد حمله یا تحریم قرار می دهد.

فرقه هایی که اسامی آنها احتمالاً قابل تشخیص هستند به دلیل اندازه شأن، رفتار شرم آورشان و در مورد برخی تمایلات خودامحایی شان مشهورترند. ولی بسیاری گروه های دیگر هم هستند که زیرک و پیچیده اند، اما به همان اندازه مسلط و خطرناکند. انبوهی از گروه های فرقه ای به طور فعال اقدام به عضوگیری، گسترش و کسب پول و قدرت در ایالات متحده و سراسر کشورهای جهان می نمایند.

این گروه ها، اعضا یا هواداران خود را توسط کارهای برنامه ریزی شده ذهنی یا روند بازسازی فکری، استثمار کرده و تحت ستم قرار می دهند. سوء استفاده ذهنی می تواند به طرق یا روش های متعددی انجام شود. رهبران سوء استفاده گر این گروه ها ظاهراً آگاه هستند که لازم است مجموعه ای از تکنیک ها، تاکتیک ها و استراتژی های اعمال نفوذ را به منظور متقاعد کردن دیگران برای پیروی از آنان و عمل کردن به خواسته هایشان به کار گیرند (تالرسینگر، ۲۰۰۶: ۷).

با توجه به اینکه هدف این تحقیق بررسی پیرامون یکی از فرقه های تخدیری تحت عنوان شیطان پرستی است که شیطان را نماد قدرت و پناهگاه خود می دانند لذا پیش از بحث در مورد هر مساله دیگر، موضوع با ذکر توضیحاتی در مورد فلسفه شکل گیری و عقاید فرقه وابسته به شیطان دنبال می شود.

مفهوم شیطان در طول قرن ها مورد بررسی قرار گرفته است. در اصل در سنت مسیحیان، وجود شیطان به عنوان بخشی از آفرینش دیده شده است که دربرگیرنده قانونی است که می تواند در مقابل خواست خدا مخالفت کند و با اختیار تام خود، قادر است مبارزه طلب باشد (شیطان پرستی، سایت ویکی پدیا، ۲۰۰۶)

به علاوه شیطان پرستی بر مبنای آموزه های مخالف دین های ابراهیمی به مخالفت با خدای ابراهیمی پرداخته است. قدیمی ترین شاهد ثبت شده راجع به این واژه (شیطان پرستی) در کتاب «تکذیب یک کتاب» توسط توماس هاردینگ (۱۵۶۵) به چشم می خورد. ابتدا کلمه شیطان در دین یهود آمده و در مسیحیت و اسلام تکامل یافته است. این نگاه یهودی، مسیحی، اسلامی از شیطان می تواند به موارد زیر تقسیم شود:

یهود: شیطان در یهودیت، در لغت به معنای «دشمن» یا «تهمت زننده» است و همین طور نام

فرشته‌ای است که مؤمنین را مورد محک قرار می‌دهد. شیطان در یهود به عنوان دشمن خدا، شناخته نشده است بلکه یک خادم خدا است که وظیفه دارد ایمان بشریت را مورد آزمایش قرار دهد

مسیحیت: در بسیاری از شاخه‌های مسیحیت، شیطان (در اصل لوسیفر) قبل از آنکه از درگاه خدا طرد شود، یک موجود روحانی یا فرشته بوده که در خدمت خداوندگار بوده است. گفته می‌شود شیطان از درگاه خداوند به دلیل غرور بیش از حد و خودپرستی طرد شده است. همینطور گفته شده است، شیطان کسی بوده که به انسان گفته است می‌تواند خدا شود و موجب معصیت اصلی انسان در درگاه خدا او بوده و در نتیجه از بهشت عدن اخراج شده است. از شیطان در کتاب یونانی «دیابولوس» به عنوان روح پلید^۱ نیز نام برده شده است که به معنای «تهمت زننده» یا «کسی که به ناحق دیگران را متهم می‌کند» می‌باشد.

اسلام: شیطان در اسلام سنبل عدم اطاعت به درگاه ربوبی بوده و نقش ویژه‌اش گمراه کردن انسانهاست (قرآن، سوره نساء: ۱۱۹-۱۲۰). در بحث خلقت آدم، قرآن می‌گوید پس از اینکه خداوند آدم را از صورت خاک خلق کرد از فرشتگان خواست تا در مقابل آدم سجده کنند. یکی از فرشتگان که از این کار سر باز زد، به ابلیس یا شیطان ملقب گردید که از آن پس کوشش می‌کند که انسانها را از راه الهی منحرف نماید. اولین هدف شیطان نیز خود حضرت آدم (ع) بود که در مقابل وسوسه‌های شیطان از پای درآمد، بعداً به اشتباه خود پی برده و از خدا طلب مغفرت کرده و بخشیده شد و به مقام اولیه خویش بازگشت (قرآن، ۱: ۳۱-۳۶).

تاریخچه شیطان پرستی

در اوایل قرن نوزدهم بعضی از اشراف انگلستان که عضو گروه فراماسونری بودند به رهبری «سرفرانسیس داشود» گروه شیطان پرستان به نام «باشگاه آتش جهنم» را در شهر لندن تأسیس نمودند و از اوایل قرن نوزدهم شهر لندن مرکز اصلی شیطان پرستان در اروپا گردید. استفاده از مواد مخدر و انجام مراسم مبتذل جنسی، فعالیت اصلی این گروه‌های شیطان پرست را تشکیل می‌داد. در دهه‌های ۱۹۶۰ میلادی شیطان پرستی توسط سرمایه‌داران یهود مورد حمایت قرار گرفت و چند گروه شیطان پرست در انگلستان و ایالات متحده آمریکا به وجود آمد که معروف‌ترین آنها تشکیل «کلیسای شیطان»^۲ در آمریکا و در شهر سانفرانسیسکو می‌باشد (وبسایت بازتاب روح، ۲۰۰۶).

آنتون زندر لاوی^۳ پایه‌گذار کلیسای شیطان در آوریل ۱۹۹۶ بود. لاوی در این روز، خود را

1- Devil
2- The church of satan
3- Anton szandor lavey

«اسقف اعظم کلیسای شیطان» و «پاپ سیاه» خواند و اعلام کرد که عصری جدید سربر آورده است. او به نقد بسیاری از ادیان، بویژه مسیحیت و سنت‌های عرفانی شرق پرداخت و گفت این ادیان، سنت‌ها و احکام غیرمتعارف و نامناسبی را بر بشر تحمیل می‌کنند و موجب انجام گناه و معاصی غیر ضروری می‌شوند. از این رو، وی بر نیاز به دینی تأکید کرد که فرد را به عنوان حیوانی دارای آمال و آرزوها که باید به آنها دست یابد، مورد پرستش قرار دهد.

کتاب «مقدس شیطانی» (۱۹۶۹)، «جادوی شیطانی» (۱۹۷۰) و «مناسک شیطانی» (۱۹۷۲) مهم‌ترین کتب مورد احترام شیطان‌پرستان هستند.

لاوی تا زمان مرگ روی آخرین کتاب خود با عنوان «شیطان سخن می‌گوید»^۱ کار کرد. این کتاب بعدها (در سال ۱۹۹۸) با مقدمه‌ای از اسقف اعظم کلیسای شیطان، ماریلن مانسون به چاپ رسید.

لاوی در سال ۱۹۶۸ در فیلم «بچه رزماری» نقش شیطان را بازی کرد. او در خانه بزرگی که به «خانه سیاه» معروف شد زندگی می‌کرد. رفتارهای نامتعارف و عجیب لاوی در این مکان به نام خود به دستاویزی نمایشی تبدیل شده بود. زندگی در خانه‌ای سیاه و بدنام با حیواناتی مانند رتیل، مار بوآ، پلنگ و شیر توجه بسیاری را به خود جلب کرده بود. لاوی در همین خانه سیاه جلسات هفتگی خود را برپا می‌کرد و به امور رازآلود و موضوعات سیاهی مانند خون‌آشام‌ها، آدم‌های گرگ‌صورت، شکنجه‌گری و جنون می‌پرداخت. یکی از آلبوم‌های موسیقی او به نام «شیطان به تعطیلات می‌رود» می‌باشد (طالبی دارابی، ۱۳۸۲: ۳۸).

فلسفه و عقاید کلیسای شیطان

شیطان در ۹ جمله شیطانی منتسب به لاوی خلاصه می‌شود:

- ۱- دست و دل‌بازی کردن به جای خساست.
- ۲- زندگی حیاتی به جای نقشه خیالی و موهومی روحانی.
- ۳- دانش پاک به جای فریب دادن ریاکارانه خود.
- ۴- صحبت کردن با کسانی که لیاقت آن را دارند به جای عشق ورزیدن به نمک‌نشانان.
- ۵- انتقام و خونخواهی کردن به جای برگرداندن صورت (اشاره به تعالیم مسیحیت که می‌گوید هرگاه برادری به تو سیلی زد، آن طرف صورتت را جلو بیاور تا ضربه‌ای به طرف دیگر بزند).
- ۶- شیطان به ما مسئولیت در برابر مسئول را به جای مسئولیت در برابر موجودات ترسناک خیالی می‌آموزد (یعنی اعتقاد به معاد و بهشت و جهنم را تنها عامل انسانیت افراد باایمان می‌داند و همچنین خود را فقط در برابر کسی مسئول می‌داند که در برابرش مسئولیت دارد نه سایر افرادی که ممکن است درگیر عملی شوند که او انجام می‌دهد).

1- Satan speaks

۷- انسان مانند دیگر حیوانات است، گاهی بهتر ولی اغلب بدتر از آنهاست که روی چهار پا راه می‌روند، به دلیل آنکه انسان دارای ویژگی‌های روحانی و پیشرفت‌های روشنفکرانه، پست‌ترین حیوانات است.

۸- شیطان تمام آن چیزهایی که گناه شناخته می‌شود را ارائه می‌دهد، چون که تمام آنها به یک لذت و خشنودی فیزیکی، روانی یا احساسی منجر می‌شوند.

۹- شیطان بهترین دوست کلیساست چرا که در تمام این سالها وجود شیطان دلیل ماندگاری کلیساهاست.

در مقایسه با این جملات، لای ۹ گناه شیطانی را نیز نام برده است: حماقت، ادعا و تظاهر، نفس‌گرایی (انتظار بازپس گرفتن از دیگران، آنچه که به آنها داده‌اید)، خود را فریب دادن، پیروی از رسوم و عقاید دیگران، روشن‌بینی ناکافی، فراموش کردن ارتدکسی گذشته (به طور مثال، قبول کردن چیزی قدیمی در بسته‌بندی جدید، به عنوان نو)، غرور و افتخار بی‌حاصل (مانند غروری که هدف شخصی را از درون می‌پوساند) و کمبود محسنات و به افراد پیشنهاد می‌شود که تنها کسی هستند که می‌توانند وجود چیزی را تجربه کنند و هرچه دیگران می‌گویند تنها خیال و وهمی از تصورات خودشان است.

لای سپس ۱۱ قانون شیطانی را نیز وضع کرد که اگرچه نظام نامه‌ای اخلاقی نیست ولی راهنمایی‌های کلی برای زندگی شیطان‌پرستی را ارائه کرده است:

- ۱- هرگز نظرات را قبل از آنچه از تو پرسند بازگو نکن.
- ۲- هرگز مشکلات را قبل از آنکه مطمئن شوی دیگران می‌خواهند آن را بشنوند بازگو نکن.
- ۳- وقتی مهمان کسی هستی به او احترام بگذار و در غیر اینصورت هرگز آنجا نرو.
- ۴- اگر مهمان مزاحم تو است، با او بدون شفقت و با بی‌رحمی رفتار کن.
- ۵- هرگز قبل از آنکه علامتی از طرف مقابل ندیده‌ای به او پیشنهاد نزدیکی جنسی نده.
- ۶- هرگز چیزی را که متعلق به تو نیست بر ندارد، مگر آنکه داشتن آن برای کس دیگری سخت است و از تو می‌خواهد آن را بگیری.

۷- اگر از جادو به طور موفقیت‌آمیزی برای کسب خواسته‌هایت استفاده کرده‌ای، قدرت آن را اعتراف کن؛ اگر پس از بدست آوردن خواسته‌هایت قدرت جادو را نفی کنی، تمام آنچه بدست آوردی را از دست خواهی داد.

۸- هرگز از چیزی که نمی‌خواهی در معرض آن باشی شکایت نکن.

۹- کودکان را آزار نده.

۱۰- حیوانات را آزار نده مگر آنکه مورد حمله قرار گرفته‌ای یا برای شکارشان.

۱۱- وقتی در سرزمین آزاد قدم برمی‌داری، کسی را آزار نده، اگر کسی تو را مورد آزار قرار داد،

از او بخواه که ادامه ندهد، اگر ادامه داد، نابودش کن (طالبی دارایی، ۱۳۸۲: ۳۹).

انجیل شیطانی شامل ۴ بخش است: «کتاب شیطان»^۱، «کتاب لوسیفر»^۲، «کتاب بلیل»^۳ و «کتاب لویتان»^۴ که هر کدام شامل مطالب خاص خود می‌باشد.

نمادهای کلیسای شیطان

پراستفاده‌ترین و معروف‌ترین نماد این گروه، «سیلیگل بافومت»^۵ است که یک مثلث سرو ته در یک دایره با کله بز در وسط مثلث است. این نماد و نمادهای نزدیک به آن مدت‌های مدیدی است که در سنت شیطانی به کار می‌روند (همان). همچنین عدد ۶۶۶ یکی دیگر از نمادهای شیطان پرستی می‌باشد که کد شناسایی آنها می‌باشد. عدد ۶۶۶ در کتاب تورات و انجیل به حیوانی وحشی نسبت داده شده که با شیطان ربط داده شده است (شریف، ۱۳۸۵: ۲)

۱- نمادی که بین دو شاخ بافومت قرار دارد نشانه شعله اطلاعات و هوشمندی است.
 ۲- دست راست رو به سوی ماه سفید و دست چپ رو به سوی ماه سیاه در پایین قرار دارد که سمت راست نماد جنسیت مؤنث و دست چپ نماد جنسیت مذکر است.
 ۳- بافومت روی زمین مستقر شده و تحت عنوان زمین یعنی «قلمرو پادشاهی بز» یا «ملکوت» که همان کره زمین است. بز بافومت عمدتاً در جریان شیطان پرستی در همه دنیا گسترش و موضوعیت یافته است. این بز در موسیقی‌های متالیکا هم دیده می‌شود.
 بافومت یک شخصیت است با همه نیروهای الهی و اهریمنی و پهلوانی و غولان که در او جمع شده است و تکثر را به وحدت رسانده است. انطباق بافومت با ستون‌های سه گانه کابالا کاملاً بیانگر این است که ماه سیاه، سمت مرد و ماه سفید، سمت زن را نشان می‌دهد و این نشانه دوجنسیتی بز می‌باشد. به جای آلت تناسلی میوه‌ای را نشان می‌دهد که نماد نیروی مطلق و زندگی ابدی است که مسئله اسطوره‌ای به نام «ابلسیک»^۶ است و دو مار هم علامت سلامتی و جاودانگی و حیات است که در دانش پزشکی و داروسازی هم از این نماد استفاده می‌شود. در لفظ لاتین شیطان ۴ کلمه است:
 (۱) لوسیفر که یکی از اسم‌های شیطان در تلقی غربی‌هاست.

(۲) دمون Demon .

(۳) Satan که از زبان عبری وارد شده است.

(۴) دیویل Devil وجه اشتراک هر ۴ تا در این است که شیطان را حیوانی سرخ‌مو با دمی که در

-
- 1- Book of Satan
 - 2- Book of Lousifer
 - 3- Book of Belial
 - 4- Book of Leviathan
 - 5- Sigil of Baphomet
 - 6- Obelisk

انتهاش فلش دارد، همراه دو شاخ و سم‌هایی که ماهیت سم‌های بز را دارد، نشان می‌دهد. شیطان مورد نظر آنها به کارکترهای آن ۴ اسم مطابقت دارد.

مراسم شیطان پرستان

در ایران این فرقه به شعبات گوناگونی تقسیم می‌شود که تعداد افراد این گروهها از ۵ و ۶ نفر شروع می‌شود. مراسم آنها بدین گونه است که در اتاق‌هایی تاریک و پوشیده شده از پرده‌های بنفش (رنگ نسبتاً مقدس چون حالت مالیخولیایی به وجود می‌آورد) که روشنایی آن با نور شمع تأمین می‌شود، دور هم جمع می‌شوند و بعد از شنیدن موسیقی‌های Blackdness یا Metall به کشیدن مواد مخدر مثل گراس و خوردن قرص‌های اکستاسی و ال‌اس‌دی مشغول می‌شوند و زمانی که در حالت خلسه فرو می‌روند به انجام کارهایی مثل خودزنی، خون‌خواری، ناخن‌کشی و خون‌بازی می‌پردازند.

خودزنی: با استفاده از وسایل تیز مانند: چاقو، تیغ و کاتر به ایجاد جراحت در بدن خود مخصوصاً انگشتان می‌پردازند (به دلیل اینکه انگشت زیاد درد ندارد ولی خون زیادی از آن خارج می‌شود و برای انجام مراسم راحت تر است).

خون‌خواری: خون را به صورت مالیده و آن را می‌خورند.

ناخن‌کشی: در این حالت یک یا چند ناخن داوطلب را می‌کنند و از خون آن می‌خورند.

خون‌بازی: دو نفر مشخص می‌شوند، ابتدا خون بدن خود را از طریق سرنگ بیرون کشیده و پس از سرد شدن آن را به بدن طرف مقابل و یا خود شخخص تزریق می‌کنند.
مراسم قربانی: ابتدا فرد را بر روی ستاره پنتاگرام خوابانیده و ۶۶۶ ضربه به او می‌زنند تا کشته شود. آنان اکثراً زنان و نوزادان را می‌کشند زیرا از نظر آنها کودکان معصومند و زنان از نژاد پست هستند (شمس، ۱۳۸۳).

در شیطان پرستی جدید قربانی کردن مفهومی ندارد؛ اما برای آنان که هنوز پیرو شیطان پرستی قدیمی و قرون وسطایی هستند این کار در شبی تاریک انجام می‌شود. قربانی توسط آب مقدس غسل داده می‌شود و بر روی محراب خوابانده می‌شود. البته اصولاً قربانی‌ها قبل از انجام مراسم بیهوش می‌شوند و در کامل‌ترین مراسم قربانی کردن برای شیطان، قربانی پس از کشته شدن و نوشیدن خون وی توسط آتش سوزانده می‌شود. در این مراسم خواندن اوراد مخصوصی به زبانی کاملاً بی‌معنی و گاهاً عمدی انجام می‌گیرد (سایت دیوانه‌خانه، ۲۰۰۶).

یکی دیگر از مراسم شیطان پرستی، مراسم معروف عبادت سیاه است که شاید معروفترین مراسم آنان باشد. این مراسم در کلیسای شیطان پرستی انجام می‌شود و دقیقاً شبیه مراسم عشای ربانی مسیحیت است با این تفاوت که تمام کارها برعکس انجام می‌شود.

اعمال و مراسم شیطان پرستی نیز بسیار زیاد است. مهم‌ترین آنها اعمالی است که همیشه انجام می‌دهند و

در آن به انجام امور جنسی می پردازند و همچنین از شیطان برای پیشبرد اهداف حاضرین کمک می خواهند و اگر کسی مشکلی داشته برای حل مشکل وی دعا می شود (Prophet of darkness, ۲۰۰۶).

موسیقی، ابزار تبلیغاتی شیطان پرستان

گروههای شیطان پرست راههای مختلف و متعددی را جهت جذب افراد به کار می گیرند و اغلب از راه علایق عمومی وارد می شوند.

موسیقی همواره نقش اساسی در جذب جوانان و نوجوانان داشته است. به ویژه آن اشعار و ترانه های موردعلاقه آنها به بیراهه و کجراهه منحرف می شود (شیوا، ۱۳۸۴: ۴۸).

گروههای موسیقی در این عصر از خطوط حرکتی متفاوتی پیروی می کنند. این گروهها از موسیقی در جهت ترویج عقاید و باورهای خود بهره می برند و طرفداران آنها دو دسته اند:

۱- عده ای که از اهداف و سیر حرکتی موسیقی موردنظر مطلع هستند.

۲- عده ای که بدون اطلاع و آگاهی کافی به شنیدن موسیقی آنها مبادرت می کنند.

در مورد گروه دوم، اطلاع رسانی و آگاهی عمومی، لازم و ضروری به نظر می رسد. به ویژه آگاه سازی نسبت به محتوای حرکت گروهها و تأثیر مخرب و زیان آور و همچنین گامی مؤثر و تعالی بخش برخی از آنها در همه سطوح زندگی از اهم ضروریات در مقطع فعلی است (غریب، ۱۳۸۳: ۲۲).

شیطان پرستها موظفند همیشه خشم و نفرت خود را نسبت به مسیح و سایر مقدسات اعلام کنند و معمولاً این مضامین را در متن اشعار موسیقی هایی که خاص این گروهها می باشد اعلام می کنند. این مضامین معمولاً در آثار موسیقی رپ یا موسیقی هوی متال یا زیرمجموعه هایش همچون گروه دریای سرخ، قاتل، گروه دختران RAS، گروه KISS دیده می شود.

چنین ترانه هایی از دهه ۱۹۸۰ به بعد سیر قهقرایی خود را آغاز کرد. موسیقی عمده ای که به این جریان مرتبط می شود، موسیقی متال است. متال به سه دسته تقسیم می شود:

- «متال جشن و پارتی» که بیشتر متمایل به مسائل جنسیتی و اجتماعی است.
- «متال آشغال» که بر مسائلی چون خشونت، تندی، غضب و مرگ تمرکز دارد.
- «متال سیاه» که به طور واضح و آشکار به شیطان می پردازد، متن این ترانه ها به وضوح به مسائلی چون زنا با محارم، تجاوز، شکنجه و قربانی کردن انسانها اختصاص دارد.

در این نوع آهنگها اعمالی برای اغفال بینندگان و شنوندگان کنسرتها و نوارها طرح ریزی شده است این پیامهای شیطانی، هم در متن شعر و هم به صورت پنهانی در پشت آهنگ کار گذاشته شده و قابل درک است. منظور از پشت آهنگ این است که همان نوار وقتی از انتها به ابتدا و با دور کند پخش شود مطلبی یا عبارتی دیگر با مضمون کاملاً شیطانی به گوش می رسد، این چرخش چپ به راست نوار کاست همه مسائل را روشن می کند (در تورات و انجیل آمده است که چپ پایگاه

شیطان است). بعنوان مثال در چرخش عادی نوار کاست چنین خوانده می‌شود «... بوی عطر تو، چه دلپذیر است...» ولی دقیقاً پشت همین قسمت خوانده می‌شود «... شیطان خداوند ماست...» که این مساله از دید شنونده عادی کاملاً غیرمنطقی است ولی در حقیقت وجود خارجی دارد، این مساله فقط وقتی قابل درک است که بتوان فهمید چگونه چند کلمه مبهم و اغلب بدون معنی در برابر عکس شدن هد می‌توانند تحریک‌کننده شیطان باشند؟

بسترهای فرقه‌گرایی در ایران

فرهنگ ایرانی از دیرباز بر پایه فرهنگ دینی شکل گرفته است. بطوری که زرتشت پیامبر ایران باستان از قدیمی‌ترین منادیان توحید به شمار می‌رود. بنابراین قرن‌ها پیش از اسلام جامعه ایرانی در تمام جوانب با آموزه‌های دینی عجین بوده است. پس از اسلام ایرانیان با پیشینه عمیق معنوی، گوی سبقت را در عرفان و فلسفه و دیگر علوم زمان از سایرین ربودند.

گرایش به عرفان و معنویت از اولین سده‌های ورود اسلام تا عصر حاضر همواره جزو شاخصه‌های این فرهنگ بوده است. هرچند که پس از انقلاب مشروطه صفحه تازه‌ای در تاریخ تکامل فکری و اجتماعی ایرانیان رقم خورد و باب ورود فرهنگ غربی به درون باز شد و این فرهنگ در نمودهای گوناگون تجدد در عصر پهلوی تداوم یافت. اما انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی به روشنی حاکی از پیروزی فرهنگ دینی و گسترده‌گی آن در سطح جامعه می‌باشد. سالهای آغازین انقلاب دغدغه‌های فکری، بیشتر صرف مجادلات تفکر دینی و غیردینی در عرصه‌های سیاست می‌شد و در طول دهه ۶۰ تفکر دینی تقریباً بی‌رقیب نهادینه شد. اما در دهه ۷۰ کم‌کم شاهد اقبال بیشتر قشر جوان و دانشجو به مطالعه کتابهای عرفانی، معنوی اسلامی و غیراسلامی می‌شویم و ترجمه‌های فراوانی از متون عرفانی هندی، بودائی، چینی، سرخپوستی، مسیحی و ... وارد بازار کتاب می‌گردد.

به موازات این گرایش کتابها و مقالاتی نیز از برخی جنبش‌های نوپدید شبه دینی به فارسی ترجمه شد و تبلیغات آنان بصورت سایت‌های اینترنتی، پخش موسیقی، عکس و ... ادامه یافت و حتی مراکزی رسمی و غیررسمی به جذب پیرو و آموزش متقاضیان پرداختند. از میان این جنبش‌ها برخی دینی-معنوی بوده و پیروان خود را دعوت به نوعی سلوک عرفانی یا شبه‌عرفانی می‌نمایند؛ مانند: مورمونها، شاهدان یهوه، اکنکار، اشو، مهربابا و ... برخی دیگر بیشتر به آموزش روشهای تمرکز فکر و کسب آرامش و تمرینهای بدنی و ذهنی می‌پردازند؛ مثل: تی‌ام، یوگا، فالون دافا و ... و بعضی گروههای موسوم به شیطان‌پرست که عموماً عقایدی ضددینی و ضدانسانی مخوفی را ترویج می‌کنند و پیروان خود را با مواد مخدر و موسیقی‌هایی خاص به خلسه‌ها و تجربه‌های ناشناخته‌ای می‌کشانند.

سابقه شیطان‌پرستی و فعالیت پیروان آنها در ایران

شیطان و توجه به آن در ایران از دیرباز وجود داشته است چه قبل از زرتشت و چه بعد از آن و شاید اوج آن در زمان زرتشت، بحث اهریمن و اهورامزدا باشد. بیشتر، شیطان‌پرستی در ناحیه غربی کشور و ناحیه مرکزی ایران دایر است. مخصوصاً در شهرهای غرب و جنوب غرب کشور، حتی مراسم این عده در کوهها و دره‌ها نیز هنوز برگزار می‌شود و قربانی آنها حیوان است. در قسمت‌های مرکزی ایران نیز هنوز قبایلی شیطان‌پرست هستند اما به گستردگی دیگر مناطق ایران نیستند؛ البته این گروه همان یزیدیان می‌باشند که شیطان را بعنوان «ملک طاووس» شناخته و از روی ترس او را تکریم می‌کنند و اینان با شیطان‌پرستان معاصر که در آمریکا و آلمان و انگلیس و مصر و چین و ... حتی ایران فعالیت دارند کاملاً متفاوت بوده و تنها تشابه اسمی دارند.

شیطان‌پرستی جدید با مفهومی دیگر ارائه شده است و با استفاده از ابزارهای تبلیغاتی جدید و دنیای مجازی، بطور برق‌آسا در سراسر جهان و ایران در حال رخنه و القاء تفکرات خود می‌باشد. توماس فرمن تحلیل‌گر سیاسی آمریکا می‌گوید:

جنگ با این دشمن (اسلام) با ارتش ممکن نیست بلکه باید در مدارس، مساجد و کلیساها و معابد به رویارویی با آن پرداخت و در این راه جز با همکاری روحانیون، کشیشان و راهبان نمی‌توان به پیروزی دست یافت (سایت بازتاب روح، ۲۰۰۶). با این عقیده و تفکر، اسرائیل با حمایت آمریکا در همه کشورها و کشورهای اسلامی شروع به فعالیت‌های مرموز و معنویت‌گرایی ظاهری (تخدیری) نموده‌اند.

تبلیغ و ترویج فرهنگ بی‌بند و باری، خوشگذرانی، لذت‌جویی، خودخواهی، انتقام‌جویی مخالفت با همه قوانین و ادیان و هنجارهای اجتماعی همه و همه نشان از انتشار و القاء تفکرات و اصول شیطان‌پرستی دارند!

افرادی که با فلسفه شیطان‌پرستی آشنایی دارند و بیشتر از طریق اینترنت با شبکه شیطان‌پرستی جهان مرتبط‌اند تعداد محدودی هستند ولیکن همین تعداد هم توانسته‌اند با ابزارهای تبلیغاتی خود مثل موسیقی راک و متال و ... در بین جوانان نفوذ کرده و آنها را جذب خود نمایند.

فعالیت گروه‌های شیطان‌پرست به طرق مختلف انجام می‌پذیرد: اینترنت، موسیقی، کتاب، فیلم، برنامه‌های تلویزیونی نرم‌افزارهای رایانه‌ای، سی‌دی و ...

اما مهم‌ترین ابزار را شاید بتوان اینترنت و ماهواره دانست. به اعتقاد کارشناسان در حال حاضر بیش از هزار فرقه فعال در انگلستان وجود دارند که شهرت آنها از طریق اینترنت اشاعه پیدا کرده است و آنها از طریق سایت‌های اینترنتی معروف به سایت‌های «خودیاری» برای ترک سیگار، کم کردن وزن بدن، دیدار و پیدا کردن یک دوست یا شریک زندگی یا شریک در بازار بورس برای

جذب و به دام انداختن جوانان متخصص اقدام می‌کنند. تبلیغ کنندگان و عضوگیرندگان این فرقه‌ها در کالج‌ها و کمپ‌های دانشگاهی هم، فعال هستند و مجله‌های مجانی را که خطوط ارتباطی با بسیاری از سایت‌های اینترنتی را ارائه می‌دهند، پخش می‌کنند (هنرهای زیستن، ش ۴: ۴۷). البته در ایران استفاده از اینترنت و کامپیوتر به شدت استفاده از آن در غرب و اروپا نیست و تعداد خیلی کمتری دسترسی به اینترنت و همچنین توانایی استفاده از آن و همچنین آشنایی با زبان انگلیسی را دارند و همه این امور موانعی بر سر راه استفاده از اینترنت می‌باشد و مصرف کنندگان اینترنت را محدود می‌کند. اما سب‌های اجرای کنسرت‌ها و کتب ترجمه شده اشعار آنها، کم و بیش در اختیار جوانان قرار دارد. شاید بتوان گفت بیشترین وسیله قابل استفاده، ماهواره می‌باشد که در اختیار افراد جامعه قرار دارد.

مسئله مهم دیگر اینکه بیشتر افرادی که در جامعه با لباس و آرایش مو و صورت و تیپ شیطان‌پرستی هستند، اصلاً با این گروه آشنا نیستند و فلسفه آن را نمی‌دانند بلکه به تبعیت از مد و مدگرایی و تقلید از شوها و هنرمندان خارجی و حتی دوستان خود اقدام به مشابه ساختن ظاهر خود با آنها می‌کنند. اما این تقلید کورکورانه و بدون فهم فلسفه شیطان‌پرستی نیز باعث شده در زمان کوتاهی این فرهنگ در جامعه ما هم ریشه بدواند و پس از گذشت چند سال شاهد تغییر کلی در اعمال و رفتار و ظاهر و آداب اجتماعی جوانانمان باشیم. گاهی هم میل به خودنمایی، انتقام‌جویی، لذت‌جویی، خودمختاری و ... بطور کلی نامناسب بودن و عدم کارایی کوشش‌های والدین و مدارس و رسانه‌ها در جهت جامعه‌پذیر کردن و کنترل جوانان، فرهنگ جوانی و روحیه کنجکاوی جوانان، تأثیر فزاینده گروه‌های همسال و بعضاً گروه‌های همسال بزهکار، فقدان منزلت اجتماعی روشن و مناسب برای جوانان، ابهام هویت و نامطمئن بودن پایگاه اجتماعی آنها می‌تواند زمینه‌ساز گرایش جوانان به رفتار بزهکارانه و گرایش به این گروه‌ها باشد (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۳۰).

جذب افراد جدید معمولاً از اینترنت و پارتی‌ها و محافل دوستانه انجام می‌گیرد و با سوءاستفاده از خصلت‌های خاص جوانان و وعده‌های مطلوب به آنها و همچنین ارائه آزادی و بی‌بندوباری جنسی و روابط نامشروع و شبیه‌سازی خود به جنس مخالف و استفاده از مواد مخدر و توهم‌زا و مشروبات الکلی و ... محیطی ظاهراً شاد و موردپسند جوانان را فراهم آورده و آنها را ترغیب و تشویق به شرکت در این مجالس و عضویت در این گروه‌ها می‌نماید.

البته در دسترس بودن لباس‌های مخصوص این گروه‌ها و یا آرم‌های مختلفی که بعنوان گردن‌بند و دستبند و انگشتر از آن استفاده می‌نمایند و نوع خاص لباس پوشیدن و راه رفتن و حتی اشارات و علائم خاص که به «سلام شیطانی» معروف است همه و همه در گسترش این تفکر جدید کمک می‌نمایند.

اجرای کنسرت‌های راک و متال ایرانی با مجوز، می‌تواند زمینه‌ساز گسترش این گروه باشد. پوشیدن لباس سیاه، بلند کردن موی سر پسران، رنگ کردن موها، آرایش صورت، لباس‌های پاره،

گردن‌بندهای صلیب واژگون و اسکلت و ستاره پنج پر و بز بافومت و ... و نقاشی روی بدن و خیلی از موارد مشابه از خصوصیات ظاهری این گروه‌ها می‌باشد که کم‌کم این عوامل بر روی طرز تفکر و فرهنگ جوانان همه اثر گذاشته و با الگوپذیری از افراد مرجع مثل هنرمندان، فوتبالیست‌ها، رجال سیاسی و ... زمینه مساعدتری برای پذیرش این افکار و ایجاد تجانس و قربت آنها با این تفکر ایجاد می‌گردد.

موسیقی و نقش آن در ترویج افکار شیطان‌پرستی در ایران

استفاده از موسیقی مهم‌ترین ابزار این فرقه در جهت تبلیغ عقاید خود و نیز تحت تاثیر قرار دادن جامعه به خصوص قشر جوان می‌باشد. گاه این گروه‌ها خود اذعان می‌کنند که شیطان‌پرست هستند و گاه برخی از آنان این ادعا را نداشته ولی در راستای تضعیف بنیان‌های ارزشی و دینی و تبلیغ افعال شیطانی گام بر می‌دارند.

کشور ما هم همچون بسیاری از کشورها تحت نفوذ و تهاجم فرهنگی قرار دارد. با توجه به روند رو به گسترش پدیده‌های نوظهور و با کارکرد ضددینی و فرهنگی، شاهد بروز و ظهور گروه‌های مختلف موسیقی راک و متال در ایران هستیم. فرانسس فوکویاما بیان می‌دارد: رواج موسیقی راک در تهران نشانه‌ای از پیروزی لیبرال دموکراسی در جهان است (گزارش مستند رسانه ای ناجا، ۸۵) مشاور اسبق امنیت ملی کاخ سفید در کتاب شکست بزرگ خود می‌گوید: «ما نه روی قدرت سیاسی و نه روی قدرت نظامی و اقتصادی تکیه کردیم، ما از طریق فرهنگ و استفاده مؤثر از رسانه توانستیم به این هدف برسیم. رسانه‌هایی که بصورت هدفمند و متمرکز برای نفوذ به درون کشورها به راه انداخته شدند» (همان)

هجوم فرهنگی و برنامه‌ریزی‌های دشمن، محافل سیاسی اطلاعاتی و تبلیغاتی به منظور جهت‌دهی به این تفکرات و در جهت مقابله با نظام بوده است و خواه‌ناخواه رواج و بومی شدن آن فرهنگ و موسیقی در کشور با بروز آسیب‌های مشابه در غرب همراه خواهد بود.

برابر برخی منابع نه‌چندان قابل اتکا در حال حاضر بیش از ۹۰ گروه راک و متال در تهران مشغول فعالیت‌اند و به همراه شبکه‌های رپ از یکصد و دو گروه بیشتر هستند. برخی گروه‌ها عبارتند از اکسی، خاکستر، اکسپلود، اوهام، پژواک، میرا، امرتاد، زرتشت، مرداب (متال‌سیاه)، فولاد ضدزنگ (راک)، دیو(رپ)، ناخن سنگی(متال)، پاتریوم (متال)، نفرین، اباتور، ابابیل(متال) و ...

اولین کاست موسیقی متال به نام «پنهان» در سال ۸۲ منتشر گردید و بعنوان اثر برگزیده اعلام شد. شبکه‌های ماهواره‌ای هم از این گروه‌ها حمایت کرده و جهت بسط این فضا در کشور مسابقه اینترنتی برگزار می‌نمایند.

همچنین برخی در صدد ترجمه و نشر اشعار گروه‌های مختلف موسیقی راک و متال و توجیه و ترویج این موسیقی برآمدند و با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سالهای گذشته این کتب

منتشر و پخش گردید که این امر می‌تواند بستر مناسبی را برای هماهنگی بین گروه‌ها و ترویج این تفکر و فرهنگ فراهم نماید. این همان سیاستی است که غرب برای نفوذ در ایدئولوژی‌های دیگر و صدور این رفتار به کشورهای دیگر اتخاذ کرده و در دستور کار کشورهای غربی قرار گرفته است.

برخی از انتشارات هم به نشر و توزیع کتب مربوطه پرداخته حتی در نمایشگاه‌های کتاب در طول این سالها به ارائه آنها اقدام نموده اند که در مواردی با استقبال زیادی هم روبرو شده است. شبکه PMC بصورت ۲۴ ساعته موسیقی راک فارسی زبان را پخش می‌نماید.

نتیجه

بیشتر گروه‌های تخریبی در اکثر کشورها از جمله ایران به ادعای خود به اشاعه تعالیم معنوی عرفانی مشغول‌اند که سرچشمه جوشان همه این تعالیم در عرفان اصیل اسلامی نهفته است و می‌توان شکل‌های تکامل یافته و صحیح این تعالیم را در فرهنگ اسلامی جست و برجسته کرد و به مخاطبان مشتاق عرضه داشت. اینجا همت مردانه آگاهان دین‌شناس و عرفان‌شناسان آگاه را می‌طلبد که در سایه یک برنامه‌ریزی منسجم دولتی و امکانات کافی به معرفی هرچه بیشتر تعالیم عرفانی اسلام و مقایسه با تعالیم معنوی این گروه‌ها و نقد و بازشناسی عقاید نادرست این فرقه‌ها پرداخته تا جوانان مشتاق معنویت اولاً با سرچشمه‌های اصیل اسلامی آشنا شوند. ثانیاً جنبه‌های نادرست عقاید این فرقه‌ها و عواقب بکار بستن این آموزه‌ها را به درستی بشناسند. ناگفته نماند که فرقه‌های شیطان پرست که ماهیت مخربشان آشکار است از این دسته بیرون‌اند و به جهت حفظ نظم و آرامش جامعه شایسته است که با آنها برخورد قانونی شود. اما در مورد جنبش‌های معنوی دیگر می‌باید از طریق ارائه شیوه‌ها و راه‌های بهتر شناخت معنویت دین مبین اسلام و نیز برخی نارسایی‌ها در شکل‌های دیگر طریقت، به مخاطبان آگاهی داد تا مختارانه راه درست را برگزینند؛ البته وظیفه مسئولان است که رصد روزانه از تحولات اجتماعی و فرهنگی و سیاسی جامعه داشته و هدایت و کنترل پدیده‌های مخرب فرهنگی را به عهده داشته و در نهایت قبل از رسیدن به نقاط بحرانی تصمیم‌گیری صحیح صورت گیرد. و در ضمن بدون تمرکز و هماهنگی فرابخشی و تصمیم‌گیری جامع و بلندمدت و نیز بدون توجه به مطالعات صورت گرفته نمی‌توان وارد عرصه مواجهه گردید.

منابع

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- احمدی، حبیب، جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها(سمت)، ۸۴.
- ۳- تالرسینگر، مارگارت، فرقه‌ها در میان ما، ترجمه ابراهیم خداینده، ۸۵.
- ۴- جهان مذهبی (ادیان در جوامع امروز)، بوش، ریچارد و دیگران، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
- ۵- زاکرمن، فیل، درآمدی بر جامعه‌شناسی دین، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: لوح قلم، ۸۴.
- ۶- سایت بازتاب روح، ۲۰۰۶.
- ۷- سایت دیوانه‌خانه، ۲۰۰۶.
- ۸- شریف، محمد، مقاله شیطان‌پرستی، نشریه دیدگاه، شماره ۱، ۸۳.
- ۹- شفرز، برنهارد، مبانی جامعه‌شناسی جوانان، ترجمه کرامت‌ا... راسخ، تهران: نشر نی، ۸۳.
- ۱۰- شمس، الهام، مقاله شیطان‌پرستی، ۸۳.
- ۱۱- شیوا، هنرهای زیستن، ش ۴، ۸۴.
- ۱۲- طالبی دارابی، باقر، کلیسای شیطان، مجله اخبار ادیان، ش ۳، ۸۲.
- ۱۳- طالبی دارابی، باقر، درآمدی بر چرایی و چیستی ادیان جدید، مجله اخبار ادیان، ۸۳.
- ۱۴- غریب، کرشمه، ماهنامه هنرهای زیستن، ۸۳.
- ۱۵- کریسایدز، جرج، تعریف معنویت‌گرایی جدید، ترجمه باقر طالبی دارابی، هفت آسمان، ش ۵، سال پنجم، ۸۲.
- ۱۶- وب‌سایت بچه‌های سرزمین زیتون، شیطان‌پرستی جدید، ۲۰۰۶.

1- [www. Wikipedia. com](http://www.Wikipedia.com)

2- www. Baztab. com

3- www. Prophet of darkness. com